

بیوگرافی کوتاه‌ای از آقای بروجردي در آستانه 52 سالگی، دهم مرداد 1388 شمسی

- آیت الله بروجردي متولد دهم مرداد 1337، محرم 1378 قمری، اوت 1958 میلادی.
- سال 1357: آغاز فعالیت‌های دینی و ارائه خدمات مذهبی، پس از ورود به کسوت روحانیت.
- از سال 1374: بارها بازداشت، زندان، انواع شکنجه و همچنین تهدید، اهانت، ترور شخصیت و آزارهای دائمی.
- از شانزدهم مهرماه 1385: تقریباً دو سال و ده ماه حبس. معادل 34 ماه، 147 هفته و 1030 روز بازداشت غیر انسانی، بدون مرخصی و محروم از کلیه حقوق انسانی و قضائی.
- حدود 300 روز انفرادی، معادل 3000 روز زندانی (بر اساس قانون هر يك روز انفرادی معادل ده روز می باشد) و مجموعاً شامل تقریباً 3700 روز (حدود يك پنجم) از 18628 روز عمر ایشان است.
- محصول این جنایات استبدادی در میان سالی و مقایسه آن با جوانی سه سال قبل ایشان:
- الف- انهدام شبکه قرنیه چشم، به دلیل اصابت ضربات مشت در بند انفرادی 209 و عدم مراقبت‌های پزشکی.
- ب- فروپاشی حافظه و بروز علائم تومور مغزی در سوزش پشت سر و تیر کشیدن قسمت فوقانی و درد مستمر در بخش‌های چپ و راست کاسه سر.
- ج- از کار افتادگی قلب در فعالیت‌های طبیعی و جاری در عدم همکاری صحیح و همه جانبه با دستگاه تنفسی و مشاهده کم کاری در اوقات خواب، حرکت، استرس و روان پریشی.
- د- امراض دیگری از قبیل پارکینسون، دیابت، فشار خون و بیماری‌های روحی.

روز هشتم مرداد 1388 یادبود سومین سالگرد تهاجم حکومت

به منزل آقای بروجردي، گرامی باد

صبح روز 8 مرداد 1385، نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها به منزل آقای بروجردي و پدر ایشان و تعدادی از دستیاران حمله کردند. تهاجم به منزل آقای بروجردي با مقاومت شدید مردم مواجه شد و آنها موفق به بازداشت این روحانی مردمی نشدند و در نهایت با دخالت پلیس به فرماندهی سردار طلائی، درگیری بین نیروهای حکومتی با مردم پایان یافت و آقای طلائی قول داد که کلیه بازداشت شده‌ها فوراً آزاد شوند و عوامل این تهاجم مورد پیگرد قانونی قرار گیرند ولی هیچ کدام از این وعده‌ها محقق نشد. این پیشوای استبداد ستیز به مناسبت وقایع این روز، بیانیه‌ای منتشر نمودند که بخشی از آن به شرح زیر است:

انا لله و انا الیه راجعون

ضایعه رقت‌بار تهاجم به بیت مرجع شهید، آیت الله سید محمد علی کاظمینی بروجردي، و تخریب درها و پنجره‌ها و کمد‌ها و شکستن عکس‌های ایشان و ربودن اسناد دینی و کتب خطی و قدیمی از منزل ایشان و همچنین ربودن دختر و داماد و عده‌ای از پیروان ایشان از منازلشان، و همزمان، یورش الواط و اشرار بی‌دین و بی‌وطن به منزل ما که با مقاومت غیورانه مردم روبرو شد و موجب فرار یاعیان گردید و متعاقباً ورود خبیثانه اعضاء ستاد امنیت استان تهران و تحمیل انصراف از آمدن به مسجد نور و اعراض از جلسه تدریس و توسل علوی، همگی دلالت بر فوران استبداد دینی داشته و مرحله ناکامی اعتراضات مسالمت‌آمیز دینی را تداعی کرده است